

## تحلیل و واکاوی نمودهای کنش اجتماعی در سلوک عملی عرفان فارسی (موردکاوی: مرصادالعباد نجم‌الدین رازی و کشف‌المحجوب جلابی هجویری)

علیرضا قره ویسی<sup>۱</sup>

رضا حیدری نوری<sup>۲</sup>

منیژه فلاحی<sup>۳</sup>

### چکیده

شناخت ساختار و درک ماهیت کنش‌های اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین بخش‌های زندگی افراد در تمامی جوامع از دیرباز تاکنون بوده است. با وجود آنکه طی چندین دهه گذشته مباحث بسیار زیادی پیرامون جنبه‌های گوناگون عرفان و تصوف اسلامی صورت گرفته اما هنوز جای خالی بسیاری از تحقیقات علمی پیرامون ابعاد اجتماعی عرفان خالی است و به نظر می‌رسد می‌توان در این باره بحث‌های بسیاری را مطرح نمود. عرفان فارسی با تأثیرپذیری از جامعه هم‌مؤکد رفتارهایی است و هم‌متقابلاً بر آن تأثیرگذار است و عارف به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی می‌تواند بسیاری از مشکلات نابه‌نجاری‌ها و رفتارهای موجود در عرصه اجتماع را از نگاه تیزبین و وقاد خویش بگذراند و به واکاوی مسائل جامعه و توصیه‌های اخلاقی جهت رفع عیوب و نواقص بپردازد. در این پژوهش که به‌شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی در دو اثر ارزنده عرفانی یعنی مرصادالعباد و کشف‌المحجوب صورت گرفته است، برآنیم تا نمود کنش‌های اجتماعی نجم‌الدین رازی و جلابی هجویری را به‌عنوان دو عارف آگاه با ساختار رفتار اجتماعی بررسی و تحلیل نماییم. یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از آن است که شیخ نجم‌الدین رازی با جهت‌گیری‌های مستقیم سیاسی - اجتماعی و مخاطب قرار دادن طبقات دهقانان، پیشه‌وران و... بسیاری از دغدغه‌ها و مسائل کلی جامعه را نقد و ارزیابی کرده است و هجویری با جهت‌گیری نسبتاً ملایم‌تر و ملاحظه‌گرانه علیه ریا و طغیان در خصوص مظاهر فساد به‌ویژه در میان عابدان و زاهدان و صوفی‌نمایان، گفتمان ریاکاری غالب در جامعه را مورد نقد اجتماعی قرار داده است.

### واژگان کلیدی

جامعه‌شناسی. عرفان اجتماعی. متون نثر عرفانی. مرصادالعباد. کشف‌المحجوب.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: alirezagharehvisi@yahoo.com

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: R.heydarinoori@yahoo.com

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: m.fallahi304@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۴/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۰

## طرح مسأله

عرفان عملی یا اجتماعی مجموعه‌ای از برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که سالک در طریقت عملی خویش با آن مواجهه است تا منازل سلوک را یکی پس از دیگری به کمک مراقبه درونی طی نماید (ر.ک قیصری، ۱۳۸۴: ۷). عارف در سیر عملی خود با جامعه و محیط پیرامون در ارتباط است و جهان‌بینی خاصی نسبت به وقایع جامعه و مسائل آن به دست می‌آورد و از آنجا که تمام عالم هستی از جنبه شهود ادراکی و هستی‌شناسانه، تجلی حضرت حق است، هر آنچه که برای سالک در سفر از حق به سوی خلق رخ می‌دهد نیز، تجلی از وحدت پروردگار در عالم کثرات است از این رو کنش اجتماعی در عرفان بعد شهودی و معرفت‌شناختی به خود می‌گیرد. اهمیت ساحت عرفان از جنبه اجتماعی از دو جهت قابل تأمل و تفکر است؛ نخست توجه عرفان به جنبه‌های اجتماعی وجود انسان که خود پاسخی است در برابر این خرده که عرفان از جنبه تعاملات اجتماعی ناکارآمد است و دیگری در برابر ایدئولوژی‌های غربی و... که الگوهای اسلامی را برای محوریت جمعی انسان، مدل توسعه یافته‌ای تلقی نمی‌نمایند، حال آنکه بر طبق موازین عرفانی و وحیانی انسان به عنوان خلیفه الله در زمین معرفی شده است\* *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* (بقره: ۳۰۰) از این رو حیات و زندگی مادی خلیفه الهی بر روی زمین نمی‌تواند تک بعدی باشد و اگر به هدف و غایت آفرینش دقت نمایم آنگاه متوجه خواهیم شد که دستگیری از فرد و جامعه همواره مورد توجه ادیان توحیدی و نیز هدف غایی عرفان اسلامی بوده است. با توجه به قدمات ذکر شده مسأله اصلی و اساسی در پژوهش پیش رو، رابطه اجتماع و عرفان، نسبت رفتارهای اجتماعی در عرفان و جایگاه ارزش‌های اجتماعی در نظام فکری عرفا و ارتباط آن با گونه فرهنگ غالب در جامعه است. در جستار پیش رو نگارندگان برآنند تا به این پرسش‌های اصلی پاسخ دهند که گفتمان عرفان اجتماعی حاکم بر دو اثر مرصادالعباد و کشف‌المحجوب کدام است؟ مؤلفه‌ها و عناصر عرفان اجتماعی در این دو اثر شامل چه گزاره‌هایی است و ارتباط آن با مبانی جامعه‌شناسی منعکس شده در این دو اثر به چه صورت است؟

پیرامون پیشینه تحقیق لازم به ذکر است که در نخستین متون عرفانی از سده‌های نخستین ظهور عرفان و تصوّف می‌توان به اندیشه‌های اجتماعی عارفان برخورد نمود؛ در کتبی مانند «قوت القلوب» مکی، «اللمع فی التصوّف» ابونصر سراج و یا «التعرف لمذهب اهل التصوّف» کلابادی تأثیرات این مساله را مشاهده کرد. از دیگر پژوهش‌های متأخر و مرتبط با موضوع پیش رو شریفیان در کتاب «جامعه‌شناسی ادبیات صوفیه» (۱۳۸۶) به بررسی اجمالی زمینه‌های فرهنگی و سیاسی پیدایش تصوّف، تعالیم اجتماعی صوفیه و بررسی تفکر صوفیانه در شعر معاصر پرداخته است. در فصل دوم کتاب با عنوان «تعالیم اجتماعی سیاسی و فرهنگی صوفیه» مباحثی را با ارائه شواهد مثال از متون نظم و نثر عرفانی مورد توجه قرار داده است. سجادی (۱۳۸۸) در کتاب «اجتماعیات در ادبیات فارسی؛ در آثار مثنوی فارسی قرن ششم» مباحث اجتماعی را در خصوص آثار نثر فارسی مانند راحه الصدور راوندی، مجمل‌التواریخ و القصص، کلیله و دمنه، چهارمقاله و... مطرح نموده است. ستوده و شهبازی (۱۳۹۶) در کتاب «جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی: اجتماعیات در ادبیات فارسی» (چاپ ششم) ضمن توجه به مباحث کلی پیرامون فرهنگ، تمدن و ارزش‌های اجتماعی، تعریف ادبیات و انواع ژانرهای ادبی، به جستارهای اجتماعی در کتب منظوم ادبیات فارسی از جمله شاهنامه، آثار سنایی و کتب نثری چون کیمیای سعادت گلستان، اخلاق ناصری و آثار عبید زاکانی پرداخته‌اند. رویکرد اثر موردنظر نیز دیدگاهی کلی به بخشی از ادبیات منظوم و مثنوی فارسی است که در آن مبانی عرفان اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته است از این رو این پژوهش نیز در روش‌شناسی با مطالعه پیش‌رو متفاوت است.

قدیمی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «نگرش جامعه‌شناختی به زمینه‌های اجتماعی پیدایش عرفان و تصوّف و نقش آن در تحولات اجتماعی ایران» مباحث عرفان عملی و پیوند تنگاتنگ آن با جامعه از جمله مشارکت اهل خانقاه در مسائل گوناگون اجتماعی را مدنظر قرار داده است.

کیوانفر (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد اجتماعی و پیوندهای مردمی در تصوّف اسلامی؛ با نگاهی به نسبت‌های تصوّف و آیین‌های جوانمردی، ملامتیه و قلندریه» توجه به

ابعاد اجتماعی عرفان و تصوّف را از طریق فعالیت‌های جوانمردان و ملامتیه مورد بررسی قرار داده است و رویکرد این گروه‌های اجتماعی را به نوعی تقابل و مقاومت در برابر زهد ریاکارانه و ساختگی زاهدان زمانه قلمداد می‌کند.

با توجّه به بررسی‌های به عمل آمده تا کنون در زمینه واکاوی کنش‌های اجتماعی در دو اثر ارزنده نثر عرفانی یعنی مرصادالعباد و کشف المحجوب، پژوهش جامع و کاملی از این دست صورت نگرفته است و همین مسأله نوآوری موضوع مقاله پیش رو را برجسته می‌نماید.

### فرضیات تحقیق

در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، فرضیه اصلی آن است که عارفانی مانند نجم‌الدین رازی و جلابی هجویری به مثابه اندیشمندانی اجتماعی با دقّت و موشکافی قابل توجّهی سعی داشته‌اند تا توجّه به اصلاحات اجتماعی را به‌عنوان بخشی از وظایف عارف در نظام فکری عرفان اسلامی مطرح نمایند.

### ضرورت و اهمیت تحقیق

عرفان اسلامی از آغاز پیدایی بیشتر بر جنبه‌های بر زهد و کناره‌گیری عارف و سالک و اهل آن از دنیا و امور اجتماعی تکیه داشته است و در این باره نیز اقوال و سخنان فراوانی از مشایخ طریقت در دست است؛ از این رو کناره‌گیری از دنیا که از جمله باورهای بسیار رایج در مکتب معرفتی عرفان است، مبنای عملکرد بسیاری از سالکان قرار گرفته است؛ حال آنکه با تحلیل و واکاوی متون برجسته عرفانی و دقّت و تأمل در آنها و زندگی مشایخ طریقت و بزرگان متصوّفه شواهد بسیاری را مبنی بر توجّه آنان به بُعد عملی و اجتماعی عرفان و مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون میتوان مشاهده نمود؛ از سویی خلاء پژوهشی علمی و مستدل مبنی بر کنش اجتماعی عرفای نامدار و متون برجسته عرفانی نویسندگان این مقاله را بر آن داشت تا در این جستار بخش‌های قابل توجّهی از اقوال و اعمال صوفیه در جامعه از منظر عرفان اجتماعی بر اساس متون نثر صوفیه با تکیه بر دو اثر برجسته مرصادالعباد و کشف المحجوب را مورد مذاقه و واکاوی قرار دهند.

## هدف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش شناسایی نموده‌های اجتماعی و عملی موجود در متون نشر عرفانی مرصادالعباد و کشف‌المحجوب است تا به صورت طبقه‌بندی شده، ارزش‌های اجتماعی موجود در نظام فکری عرفان ایرانی - اسلامی را شناسایی نماییم تا بدین وسیله سنجه و معیاری جامعه‌شناسانه و اجتماعی جهت ارزیابی این متون عرفانی به دست آوریم.

## روش تحقیق

این پژوهش مطالعه‌ای است توصیفی - تحلیلی بر مبنای شیوه سندکاوی و مراجعه به منابع از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پایگاه‌های علمی مستند و مستدل، جامعه آماری مورد استفاده نگارندگان در این جستار دو اثر عرفانی مرصادالعباد و کشف‌المحجوب خواهد بود که در آن مصادیق و شواهد به روش سیستماتیک و هدفمند از میان نمونه‌های استخراج شده در حد گنجایی این مقاله ارائه خواهند شد.

## چارچوب نظری تحقیق

از دیدگاه عرفان اجتماعی، هدف اولیه و اصلی عارف، درک شهودی تعاملات هستی به منظور شناخت خویش و حقیقت نهفته در آفرینش است تا از این طریق سالک بتواند در مسیر کمال به شناخت بهتری از خویشتن و ماهیت خلقت و جهان آفرینش دست یابد و به همان میزان که به خودشناسی می‌رسد، بتواند با هم‌نوع خویش در محیط جامعه در راستای رسیدن به کمال حقیقی، تعامل نماید. چنین دیدگاهی قادر خواهد بود عارف را به قرب الهی و دستگیری از دیگران و هدایت عمومی نائل کند. بر اساس فرهنگ توحیدی، اصل حاکم بر رفتار، کنش و نگرش اجتماعی افراد در جامعه باید در حقیقت هستی، خویشتن و تلاش برای شهود ادراکی حضرت حق باشد؛ به یقین جامعه توحیدی شکل نخواهد گرفت مگر در پرتو فعالیت و تعاملات اجتماعی، حسن خلق، نیکویی گفتار و اندیشه، عدالت و ایمان. در این بینش عارف در صدد است تا ضمن برحذر داشتن حاکمان و متصدیان امور مملکت از انجام امور نابه‌نجار، با مداخله‌ها و نصایح ارزشمند سلوک عملی خویش فضایی مطلوب فراهم نماید تا جامعه به سمت و سوی اهداف والای انسانی و وحیانی دست

یابد. از این رو حاکم، امیر، وزیر، قاضی، پیشه‌ور و... تمامی اقشار، گروه‌ها و اصناف جامعه، خادمان و بندگانی هستند برای تحقق عدالت اجتماعی. در عرفان اجتماعی عارف همان‌گونه که رذایل اخلاقی را از خویش دور می‌سازد، به همان اندازه باید سعی در اصلاح رذایل اجتماعی و نابهنجاری‌های آن داشته باشد.

### تحلیل نمونه‌ها و مصادیق

#### مرصادالعباد؛ متنی عرفانی با نمودهای کنش اجتماعی فراوان

مرصادالعباد دو مرتبه از سوی نویسنده‌اش مورد ویرایش قرار گرفته است. بار نخست نجم‌الدین رازی به درخواست عده‌ای از مریدان کتابی به زبان فارسی تألیف می‌کند که در آن آداب سلوک آمده است: «مدتی بود تا جمعی طالبان محقق و مریدان صادق هر وقت از این ضعیف با قلت بضاعت و عدم استطاعت مجموعه‌ای به پارسی التماس می‌کردند، مجموعه‌ای می‌خواستند قلیل الحجم و کثیر المعنی که از ابتدا و انتهای آفرینش و بدو سلوک و نهایت سیر و مقصد و مقصود عاشق خبر دهد» (نجم‌الدین رازی، ۱۴۰۱: ۱۵ - ۱۶). ویراست دوم از این کتاب زمانی بود که نجم‌الدین رازی عازم دربار علاءالدین کیقباد شد و اندکی در متن کتاب دستکاری کرد و تغییراتی در آن داد و با ستایش و مدح سلطان وقت، این اثر را به علاءالدین کیقباد تقدیم نمود: «پس این ضعیف بعد از استخارات و استعانت به حضرت عزت، این عروس غیبی را به زیور القاب همایون آن پادشاه دین‌پرور و سلطان عدل گستر مزین و متحلی گردانید» (همان: ۲۶). این نگارش یا ویرایش دوباره مرصادالعباد خود حاکی از جهت‌گیریهای سیاسی - اجتماعی شیخ نجم‌الدین رازی است و اینکه وی برخلاف بسیاری از هم‌اندیشان خود آمادگی تعاملات اجتماعی و ارتباط با ارباب قدرت را داشته است. نجم‌الدین رازی در مرصادالعباد مباحثی چون خلقت انسان، انبیا، فطرت، ارواح، ادیان، ختم نبوت، معاد و... را به صورت کلی مطرح نموده است و در بخش‌های دیگر این کتاب، مطالبی را به ذکر آداب سلوک و عرفان برای مریدان خاص خود ذکر کرده است؛ اما به نظر می‌رسد شیخ نجم‌الدین روا نمی‌بیند که این حقایق عرفانی تنها در اختیار گروهی اندک از اهل طریقت قرار گیرد و دیگر اقشار جامعه از آن بی‌نصیب باشند. اندیشه و بینش اجتماعی نجم‌الدین رازی را حول چند محور می‌توان خلاصه نمود:

نخست نظام‌مندی جهان خلقت و ارتباط و پیوند آن با ارکان اجتماع، دوم الگومداری سوم رعیت‌پروری و دادگری.

نجم‌الدین رازی در پاسخ به علاءالدوله کیقباد حاکم وقت که از او می‌خواهد در امور مملکت او را یاری رساند چنین آورده است که: «هر چند سنت این طایفه [متصوفه] عزلت و انقطاع و خلوت است و اجتناب از صحبت ملوک و سلاطین و ترک مخالطت اما از چنین پادشاه موفق که هم از علم نصیبی تمام دارد و هم از ثمرات ریاضات و مجاهدات نصیبی کامل و محبّ و مربّی ارباب علوم و اصحاب قلوب است، به کَلّی دور نباید شد و خود و خلق را از فواید و منافع آن حضرت محروم نگردانید» (همان) و در ادامه مشارکت در امور مملکت و سیاست و رایزنی با شاه را پذیرا می‌شود و می‌گوید: «پس این ضعیف اشارت آن بزرگ را اشارت حق دانست و از فرموده او تجاوز نتوانست» (همان: ۲۴). فعالیت و مشارکت اجتماعی نجم‌الدین رازی و دوری از عزلت و گوشه‌نشینی در زوایا و ابعاد گوناگون زندگی وی قابل مشاهده است تا جایی که کتاب «مرصادالعباد» و کتاب «مرموزات اسدی» به ترتیب به علاءالدین کیقباد و علاءالدین داوود شاه تقدیم شده است. نجم‌الدین رازی در این باره می‌گوید: «هاتف سعادت به سرّ این ضعیف ندا می‌کرد که واردان حضرت ملوک را از تحفه‌ای فراخور حال ایشان، نه در خور همت ملوک چاره‌ای نباشد... پس این ضعیف، بعد از استخارت و استعانت به حضرت عزّت این عروس عینی را به زیور القاب همایون آن پادشاه... مزین و متحلّی گردانید» (همان: ۲۴).

### آرمانشهر اجتماعی نجم‌الدین رازی با الگوی عرفانی و حیانی

الگوبرداری از آموزه‌های و حیانی، قرآنی و عرفانی برای تبیین جلوه اندیشه اجتماعی وی در مرصادالعباد، یکی دیگر از جنبه‌هایی است که ثابت می‌کند شیخ، دغدغه اجتماع دارد و رهایی جامعه از گرداب فساد برای او در درجه اول اهمیت است. وی با طرح یک جامعه آرمانی حول محور دادگری و رعیت‌پروری و در نظر گرفتن اهداف متعالی، سعی در نشان دادن و بهره‌گیری از سرچشمه‌های نورانی اخلاق و انسانیت در جامعه و ایجاد تحوّل مثبت و سازنده دارد. به عنوان نمونه با بهره‌گیری از داستان حضرت داوود (ع) در قرآن که به عنوان پیامبر، بر جامعه عصر خویش سلطنت نیز می‌کرد، ایشان را نمونه اعلای

قدرت دنیوی و مقام نبوت می‌داند که در سلوک الی الله و در مقام خلیفه الله، عقبه‌ها و دشواری‌های سلوک مادی و معنوی را به بهترین وجه ممکن پشت سر نهاده است و نیز با استناد به آیه مبارکه \* قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلَكًا لَا يُنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ \* (ص: ۳۵) به نقل از حضرت سلیمان (ع) که از خداوند «ملک» و «پادشاهی» خواست، تعامل اجتماعی را بسیار حائز اهمیت می‌داند و می‌گوید: «اول دانست که چون مملکت تمام باشد، نبوت و علم در آن داخل باشد... مملکت و سلطنت، پرورش صفات ذمیمه و حمیده را کامل‌ترین آلتی است و عظیم‌ترین عدتی تا نفس را اگر بدین آلات پرورش دهند در صفات ذمیمه، به مقامی رسد که دعوی خدایی کند و این نهایت صفات ذمیمه است... همچنین نفس را اگر در صفات حمیده پرورش دهنده، به مقامی رسد که متخلق به اخلاق حق شود و متصف به صفات ربوبیت گردد و به کمال این اخلاق جز به آلت مملکت و سلطنت نتوان رسید» (همان: ۴۱۷ - ۴۲۲). به نظر می‌رسد انتخاب الگویی مانند حضرت داوود (ع) به عنوان پیامبری که پادشاهی نیز می‌نمود به نوعی جوابی است برای کسانی که به بهانه دین‌پروری، از دنیا‌گریزانند و به بهانه اشتغال به امور دنیوی، از آیین دین‌ورزی جدا گشته‌اند: «حق تعالی باز نمود که پادشاهی خلق با مقام و مرتبه نبوت می‌توان کرد» (همان: ۴۱۶).

### توجه به کسب و کار

برخلاف دیدگاه عزلت‌طلبی و گوشه‌نشینی که بسیاری آن را جزء جدایی‌ناپذیری از عرفان و تصوف می‌دانند، کسب و کار و فعالیت اقتصادی در جامعه برای بسیاری از عرفا، حائز اهمیت بوده است. نجم‌الدین رازی با مرتبط دانستن کسب و کار و طلب رضایت از حق تعالی می‌گوید: «اهل دنیا که عمله خانقاه جهانند، اگر در آن حرفت و صنعت خویش هر یک نیت چنان کند که این شغل از برای بندگان خدای می‌کنم که بدین حرفت محتاج باشند تا قضای مسلمانی برآید و مطیعی به فراغت به حق مشغول شود، حضرت خداوندی از هر درجه و مقام که به خاصگان و مقربان و محبوبان خویش دهد، از انبیا و اولیاء علیهم السلام، نصیبی از آن به این جماعت دهد که خدمتکاران و محبان ایشان بوده‌اند و فردا ایشان را با این بزرگان حشر کند» (همان: ۵۴۰). وی عارفی است که با تکیه بر اصول و



مبانی طریقت، تمام فعالیت‌های فرد در جامعه را در راستای توجّه به حق تعالی تفسیر می‌کند تا جایی که در خصوص کشاورزان، دهقانان و فعالیت و کسب و کار آنان در جامعه، کنش اجتماعی آنان را با سلوک روحی و کشف و شهود قلبی مرتبط می‌کند و می‌گوید: «باید که دهقان تخم از انبار بیرون دهد، نیت آن کند که خلق خدای را به قوت به قوت محتاجند از انسان و حیوان هر کس این دهقت نتواند کرد، من از برای رضای حق در صورت خدمت خلق او قیام نمایم» (همان: ۵۱۵) و نیز بیان کرده است که: «از مال دنیا نصیبه تو آن است که در راه خدا صرف کنی نه آنچه به هوا خرج کنی و بنهی که ما عندکم یَنفَدُ و ما عندالله باق و باید که صاحب مال و جاه اگر از مشغولی بدین مقامات و درجات نتوانست رسید، باری به مال و جاه خویش طایفه‌ای را که اهل سلوک این مقامانند مدد و معاونت و تربیت فرماید و اسباب جمعیت و فراغت ایشان ساخته کند تا هر درجه که ایشان به مدد او حاصل کند، ثواب آن در دیوان او نویسند» (همان: ۵۱۷). از این رو سفر، تجارت و دیدار مشایخ و بودن در بطن اجتماع را به پیروان طریقت توصیه می‌کند و در آداب سلوک چنین می‌گوید: «باید به هر شهر که برسد، از مزارها و مواضع متبرک پیرسد و آنجا رود و زهاد و عبّاد و مشایخ دایمه و گوشه‌نشینان و عزیزان هر شهری بحث کند و به هر جا برود و خدمت ایشان به صدق دریابد و هر کس را به اندک و بسیار تبرکی دلداری کند و آن را غنیمت شمرد که در سفر هیچ غنیمت دریافت صحبت مردان حق و خدمت ایشان نیست» (همان: ۵۲۶).

### توجّه به عدالت اجتماعی

سالک واقعی کسی است که به عدالت اجتماعی توجّه کند و کنج خلوت و عزلت را رها نموده و در شرایط پریشان و آشفتۀ جامعه، دادخواهی را در رأس تفکّرات اجتماعی - عرفانی خویش قرار دهد از این رو نجم‌الدین رازی از شاه می‌خواهد که «هم راه دین و حفظ معاملات شرع» را به جا آورد و هم راه عدالت و انصاف در دنیا (همان: ۴۱۶). در مقام مصلحی اجتماعی برای پادشاه سه جنبه را در نظر می‌گیرد: توجّه به رفتار خود، توجّه به رفتار با خلق خدا و توجّه به رفتار خویش در پیشگاه خدا و می‌گوید اگر شاه در ابتدا شرط عدالت با خویشان را که «عدالت خاص» است رعایت نکند، نمی‌تواند «عدالت عام»

را به جای آورد (همان: ۴۳۳) و برای حاکم و سلطان در هر سه حالت «احسان، عدل و ایتا ذی القربی» را لازم می‌داند و زیر ساخت عدالت اجتماعی را «توحید» و توجّه قلبی و شهودی به حضرت حق می‌داند «عدل به حاصل کردن توحید است نفس خویش را» (همان: ۴۳۳). رازی نتایج توجّه به عدالت اجتماعی را دوام ملک دانسته و با تمسک به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که «العدل و الملك توامان» (همان: ۴۳۷) در تمام زوایا و ابعاد گوناگون مملکت‌داری مانند ناصحی دلسوز و فعالی اجتماعی به جهت‌دهی فکری حاکم و سلطان پرداخته است. رازی برای وزیر هم صفت عادل را مدنظر قرار داده است (همان: ۴۵۰) و با تمسک به حدیث «اذا اراد الله بملك خيراً جعل له وزيراً صالحاً فان نسي ذكره و ان ذكر اعانه» (همان: ۴۵۱) بیان می‌کند که وزارت نیز از ارکان اصلی مملکت است و وی نیز به مانند پادشاه باید در راستای عدالت اجتماعی کوشا باشد. رازی با اشاره به آیه مبارکه \* يا داوودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِيْنَ يَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ بِمَا نَسُوْا يَوْمَ الْحِسَابِ \* (ص: ۳۸) یعنی ای داوود ما تو را در زمین جانشین و خلیفه قرار دادیم از این روی در میان مردم به حق و عدالت داوری کن از این آیه احکامی اجتماعی در خصوص حاکم استخراج می‌کند که مهمترین آن رعایت عدل اجتماعی است و اینکه حاکم به ظلم و جور میل نکند (نجم‌الدین رازی، ۱۴۰۱: ۳۱۴). پیوند اندیشه‌های اجتماعی و عرفانی را در خصوص مسائل گوناگون جامعه در ذهن و زبان نجم‌الدین رازی از آنجا می‌توان به خوبی مشاهده نمود که شیخ نجم‌الدین برخلاف اندیشه گوشه‌نشینی، ریاضت و عزلت‌گزینی مطرح شده از سوی بسیاری از عرفای نامدار تمام هم و غم خویش را در توجّه به مصالح مملکت و فعالیت‌های اجتماعی سازنده و مؤثر از سوی طبقات و اقشار گوناگون جامعه می‌داند. او عدالت اجتماعی را نگهداری و نگهداری و نگهداری از مردمان و ظالمان و دشمنان می‌داند و آن را در ارتباط مستقیم با میزان ایمان، خداباوری و توحیدنگری افراد برمی‌شمارد. «عدل راست داشتن ظاهر و باطن خویش است با خدای و سرّ و علانیه با خدای یکرنگ کردن و سلطنت و مملکت همچون کمر بندگی بر میان بستن چنانکه خود را و مملکت را برای خدای دارند نه آنکه خدای را مملکت را برای خود خواهند» (همان: ۴۴۵).

### توجه به ساختار حکومتی جامعه، نهادها و کارگزاران

نجم‌الدین رازی تشکیلات موجود در دستگاه و بدنه حکومتی از جمله امور وزارت، قضاوت، اوقاف و... را در مرصادالعباد مورد توجه قرار داده است و عملکرد آنان از نگاه وقاد و تیزبینانه وی مخفی نمانده است. در اهمیت رفتار، کردار و منش سیاسی - اجتماعی وزیر معتقد است که: «وزیر برای پادشاه به مثابه عقل است و پادشاه از وزیر عادل، عالم، امین، صاحب رأی، نیکو خلق و شریف ناگزیر است تا بتواند به درستی در جامعه به حکم‌فرمایی بپردازد» (همان: ۲۲۹) نیز در توصیف وزیر می‌گوید: «ظاهر و باطنش با پادشاه یکی باشد و اهل خیانت و نفاق نباشد و از همت بلند و علو طبع برخوردار باشد و طمع نداشته باشد، وفادار و نیکو عهد و ثابت قدم باشد و صلاح دین و ملک و رعیت در نظر داشته باشد و چون با این خصایل آراسته گردد، پشت پادشاه به او قوی گردد» (همان: ۲۴۰ - ۲۴۱). آنچه از فحوای کلام شیخ نجم‌الدین رازی برمی‌آید آنکه وی به صورت کامل و همه‌جانبه‌ای تمام مسائل جامعه را مورد نقد و بررسی قرار داده است. در خصوص وظایف قضایان در جامعه آورده است: «بر پادشاه واجب است که چون قاضی به شهری و ولایتی فرستد، باید که عالم و عاقل و دین‌دار و صالح فرستد که دست از مال ایتم و مواریث و اوقاف و رشوت و امثال آن کشیده دارد و به معیشت خویش قانع باشد» (همان: ۲۶۰) و در توصیه به رفتار اخلاقی و دینی برای تمامی افراد جامعه، از والیان و عمال حکومتی و شحنة و کارگزاران دولتی نیز می‌خواهد که مروج دیانت و عطوفت و عدالت باشند تا ظالم نتواند خون رعیت را بریزد و مصالح طبقات پایین جامعه، رعایت گردد: «بر پادشاه واجب است که چون به شهری یا ولایتی شحنة یا والی فرستند، عاقل متمیز و عالم دین‌دار فرستند که در وی سیاست و دیانت و مروت و محبت بود تا به شرایط آن شغل به وجه آتم قیام نماید. ظالمی نباید که خون رعیت ریزد و غافل‌ی نصب نکند که مصالح رعیت مهمل گذارد» (همان: ۲۳۳).

### توجه به رعایا

نجم‌الدین رازی رفتار عادلانه را برای هر فرد، گروه و طایفه‌ای در جامعه از شاه تا زبردستان، لازم و ضروری می‌داند و ضمن برشمردن اصل عدالت و دادگری و پرهیز از

افراط و تفریط معتقد است ارکان حکومتی باید به همان اندازه که در کیفر بزهکاران می‌کوشد، در ایجاد شرایط مساعد و مناسب برای اقشار ضعیف جامعه نیز باید ساعی باشد و به دور از سهل‌انگاری و بی‌کفایتی و خشونت و استبداد، حکومت اداره گردد. وی در تفسیر آیه ۲۶ از سوره مبارکه «ص» می‌گوید: «فاحکم بین الناس بالحق اشارت بدانچه پادشاه باید که حکومت‌گزاری میان رعایا به نفس خود کند و تا تواند احکام رعیت به دیگران بازنگذارد که نواب حضرت و امرای دولت را آن شقفت و رأفت و رحمت بر رعایا که پادشاه را باشد، نتواند بود» (همان: ۵۱۲) و نیز در تحقق عدالت اجتماعی از پادشاه می‌خواهد که نه تنها عمال و کارگزاران صالح و شایسته انتخاب نماید، بلکه از نظارت دائمی بر اعمال و رفتار آنان غافل نباشد تا مبادا بر مردم و جامعه روا دارند: «چون پادشاه تتبع احوال هر طایفه‌ای کند و از معاملات هر صاحب عمل و صاحب حکم باخبر باشد و درد مسلمان دامن جان او گرفته باشد تا در ممالک او حیفی و ظلمی نرود کارها زود به صلاح بازآید و ناهلان اهل گردند» (همان: ۴۶۲).

### **بهره‌گیری از تمثیل عالم خلقت به منظور تبیین الگوی نظام‌مند حکومت‌داری و فرمانروایی**

نجم‌الدین رازی با تمثیلی که از آغاز کتاب مرصادالعباد در خصوص خلقت، آفرینش، معاد، ختم نبوت، رسالت انبیا و... مطرح می‌نماید قصد دارد آغاز، انجام و اهداف والای آفرینش را به عنوان الگویی برای حاکمیت قانون و عدالت در نظر حاکمان وقت مطرح سازد؛ تا خردمندان و دادگرانه و به دور از لجام گسیختگی به اداره نظام حکومتی بپردازد. از این رو حکومت بر جامعه را با ولایت پیامبر اکرم (ص) بر مردم مقایسه می‌کنند تا گوشزد نماید که باید در جامعه صالحان زمام امور را بدست گیرند؛ چرا که «مقصود و خلاصه جملگی آفرینش وجود انسان بود و هر چیزی را که وجودی هست از دو عالم به تبعیت وجود انسان است و اگر نظر تمام افتد، بازیند که خود همه وجود انسان است و مقصود از وجود انسان، معرفت ذات و صفات حضرت خداوندی است» (همان: ۱۱۴).

## نمودهای عرفان اجتماعی در کشف‌المحجوب

کشف‌المحجوب نوشته «ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری» از جهات بسیاری یکی از ارزشمندترین متون عرفانی در زبان فارسی است. این اثر بارزش در قرن پنجم هجری به رشته تحریر در آمد و علاوه بر اشمال بر بسیاری از آداب صوفیه و اصول عرفان و تصوّف و کشف حقایق و فرق مختلف از جمله ملامتیان، در زمینه توجّه به مسائل اجتماعی نیز حائز اهمیت است. هجویری مطالب ارزنده‌ای در نقد طبقات و اقشار گوناگون جامعه دارد. وی بیش از هر چیز به خودشکوفایی افراد در سطح جامعه توجّه نموده و آراء تربیتی ارزنده‌ای در این مسیر ارائه داده است و می‌گوید: «غناى خدای تعالی را آن است که وی را به هیچ چیز و هیچ کس نیاز نیست و عنای خلق، منال معیشتی یا وجود مسرتی یا رستن از آفتی یا آرام به مشاهدتی و این جمله محدث و متغیر بود و مایه طلب و تحسّر و موضع عجز تذلل» (هجویری، ۱۳۸۹: ۲۵).

### هجویری؛ منتقدی عارف

در فاصله سال‌های ۳۹۰ تا ۴۷۰ ه. ق که هجویری می‌زیسته، هرج و مرج بسیاری بر کشور حاکم بوده است. هجویری صوفی خانقاهی به معنای واقعی نبود و در اوضاع و احوال آشفته ایران در منطقه خراسان به خاطر درگیری حکومت‌ها بر سر قدرت بیشتر در مسافرت و سیاحت بود و به علت تعصبات مذهبی و مناظره‌ها و مجادلات سلیقه‌ای اهل ظاهر، بیشتر اوقات خویش را به سفر و فراگیری آداب طریقت می‌گذراند به خدمت سیرصد تن از بزرگان مشایخ درآمده بود و همین نکته دلیلی بر عدم روحیه انزوا و گوشه‌گیری اوست. مروری گذرا بر کشف‌المحجوب به خوبی نشان می‌دهد که وی انتقادات اجتماعی بسیار تند و بی‌پروایی نسبت به بزرگان، عمال حکومت، مشایخ متصوّفه، صوفی‌نمایان، زاهدان ریاکار و افرادی که هر یک به نوعی در به آشوب کشیدن اوضاع و شرایط اجتماعی ایران دست داشته‌اند، روا می‌دارد و بیان می‌کند که عالمان از علم حقیقی رویگردان شده‌اند و خاص و عام به هوی و هوس مشغول گشته و روزگاری است در جامعه از مروّت و جوانمردی جز اسمی باقی مانده است. هجویری کتاب کشف‌المحجوب را روزگاری به رشته تحریر درآورد که آثار پیشین او درباره تصوّف، توسط مدعیان و

معاندان وی از میان رفته بود. هجویری در این باره می‌گوید: «و مدعیان کاذب بعضی سخن از آن مرصید خلق را برچیدند و دیگر را بشستند اما بر نخواندند و گروهی دیگر برخواندند و معنی ندانستند و فی‌الجمله هر کسی آن دارو طلبد که موافق درد وی باشد و پیش از این جهال با علم با کتب مشایخ همین کردند و چون آن خزانه‌های اسرار خداوند به دست ایشان افتاد، معنی ندانستند به کلاهدوزان جاهل فکندند و به مجلدان ناپاک دادند تا آستر کلاه و جلد دواوین شعر ابونواس و هزل جاحظ گردانیدند» (همان: ۷ - ۸). از این عبارات هجویری وضعیت جامعه عصر مؤلف به خوبی آشکار می‌شود؛ جامعه‌ای که سارقان علم و جاهلان و مدعیان کاذب در کمین نشسته تا حاصل دسترنج و زحمات محققان را باد دهند و یا به خود منسوب دارند. هجویری در چنین اوضاع و شرایطی به تألیف کشف‌المحجوب اقدام می‌کند و به نوعی علیه کاستی‌ها و نابه‌هنجاری‌های جامعه قیام می‌نماید.

### توصیه به دوری از عزلت و مشارکت اجتماعی عارف

هجویری در کشف‌المحجوب به نقل از ابوحنیفه که قصد داشت کنج عزلت اختیار کند می‌گوید که هر بار وی قصد دوری و اعراض از جامعه را داشت، پیامبر را به طریقی در خواب می‌دید که از وی می‌خواست از جامعه دوری نکند و عزلت‌نشین نگردد (همان: ۶۲). هجویری نه تنها عارفی گوشه‌نشین نیست، بلکه یکی از اصلی‌ترین ابزارهای کنش اجتماعی برای اصلاح جامعه نابه‌هنجار زمان و عصر خویش یعنی نصیحت‌گری و پند و اندرز را مد‌نظر قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت اصلی‌ترین هدف وی از تمایل به نصیحت حاکمان، امرا و پادشاهان اصلاح شیوه رفتاری آنان در جامعه و سوق دادن جهت‌گیری‌های سیاسی آنها به سمت عدالت‌محوری است تا حقوق خلق را رعایت نمایند. هجویری در داستانی از هارون و فضیل عیاض این نکته را به صراحت عنوان می‌کند؛ فضیل در پاسخ هارون که از وی پندی می‌خواهد می‌گوید: «اگر می‌خواهی فردای قیامت نجات پیدا کنی، پیران مسلمان را چون پدر خود دان و جوانان را چون برادران و کودکان را چون فرزندان. آنگاه با ایشان معاملت چنان کن که اندر خانه با پدر، برادر و فرزند کنند که همه دیار اسلام هم خانه‌توست و اهل آن عیالان تو» (همان: ۱۵۳).

## مبارزه با ریاکاری در جامعه

از جمله رفتارهای شایع در جامعه و روزگار هجویری که با فضایل اخلاقی، انسانی و معیارهای وحیانی و عرفانی در تعارض است، ریاکاری می‌باشد. مقبولیت یافتن ریاکاری نزد عوام و خواص فرصتی فراهم آورده بود تا بسیاری از زیاده‌خواهان و شیادان دام و حقه بنهند و با دست یازیدن به مال و جان مردم، در پوششی از ریا در اوج و مسند قدرت به سر ببرند و از مؤاخذه و حساب‌رسی نیز در جامعه به دور باشند. طبیعی است که این خلق و خوی ناپسند در میان خواص و عوام در سطح جامعه به‌ویژه صوفیه و زهاد و برخوردارانی از امتیاز لباس ظاهر و طبقه ممتاز اجتماعی، سبب مشکلات و دردهای بسیاری می‌شد. هجویری در نکوهش ریاکاری موجود در جامعه به نقل از فضیل عیاض می‌گوید: «وقتی بدانچه همی کردند، ریا همی کردند، اکنون بدانچه نمی‌کنند، ریا می‌کنند» (همان: ۲۲). هجویری معتقد است: «خداوند ما را اندر زمانه‌ای پدیدار آورده است که اهل آن، هوی را شریعت نام کرده‌اند و ریا را خشیت» (همان: ۸) و در ادامه می‌گوید: «اما به نزد من طلب ملامت، عین ریا بود و ریا عین نفاق. از آنچه مُرایبی راهی رود که خلق و را قبول کند و ملامتی به تکلف، راهی رود که خلق و را رد کند و هر دو گروه، اندر خلق مانده‌اند و از ایشان گذر ندارند» (همان: ۷۵). این نقد ظریف جامعه‌شناسانه هجویری در چنان روزگاری که فرقه ملامتیه و اهل ریا بازارشان داغ بود، بسیار قابل توجه و ارزشمند است. روزگاری که شرایط جامعه، بسیاری از اصناف و گروه‌ها را وادار به ریا می‌کرد و دین‌داری و دین‌مداری، وجه‌المصالحة جاه‌طلبی و دنیاخواهی بود؛ به قول هجویری روزگاری که اگر ریاکاری نکنی، از صحنه زندگی مطرود می‌شوی: «من که علی بن عثمان جلابی‌ام، از خدای تعالی بخواهم تا مرا چنین معاملتی دهد و این با صحبت مترسمان زمانه، راست نیاید که اگر در معصیت و ریای ایشان موافقت نکنی، دشمن تو گردند» (همان: ۲۲۷). شکایت هجویری از رسومات ناپسند اجتماعی به تلاش برای از بین بردن ریا و سالوس ختم نمی‌شود، بلکه از نظر وی تکبر و خودخواهی نیز آفتی است که جامعه زمان مؤلف را در بر گرفته و برای از بین بردن آن بسیار دلمشغول و دغدغه‌مند است؛ هجویری درد تکبر را درد بی‌درمان و خسران آشکار می‌داند و می‌گوید: «خدمت جمله بر خود واجب کند و

خود را بدان خدمت فضلی نهد بر دیگران که [تکبر] خسروانی عظیم است و عیبی ظاهر فاحش بود و از آفات زمانه، اندر زمان ما یکی بلا بی‌دوا، این است» (همان: ۶۱). در شکایت از شرایط نامساعد اجتماعی می‌گوید: «خداوند عزّ و جلّ ما را اندر زمانه‌ای پدید آورده است که اهل آن، هوا را شریعت نام کرده‌اند و طلب جاه و ریاست و تکبر را عزّ و علم و...» (همان: ۸). گله و شکایت هجویری از بزرگان، مشایخ صوفیه و آشفته‌گی‌ها و نابه‌سامانی‌های روزگار که مردم را در خواب جهل و غفلت فرو برده است به خوبی نشان از دغدغه‌های وی برای ایفای نقش و رسالت اجتماعی هجویری در مقام عارفی آگاه دارد از دیدگاه او علم حقیقی مندرس گشته و در جامعه، خلق از طریقت رضا و توکل روی برگردانده و جملگی مشغول هوی و هوس شده‌اند و مریدان و مدعیان خاص و عام از حقیقت به ظاهر بسنده کرده کار به تقلید کشیده شده است (همان: ۱۰ - ۱۱). هجویری از روزگاری گله‌مند است که در آن نه اخلاق جاهلیت رعایت می‌شود و نه احکام شریعت و نه طریقت صاحبان مروت در جامعه عملی می‌گردد (همان: ۱۳).



## نتیجه گیری

عرفان فارسی با تأثیرپذیری از جامعه هم مولد رفتارهایی است و هم متقابلاً بر آن تأثیر گذار است و عارف به عنوان یک کنشگر اجتماعی می تواند بسیاری از مشکلات نابهنجاری ها و رفتارهای موجود در عرصه اجتماع را از نگاه تیزبین و وقاد خویش بگذراند و به واکاوی مسائل جامعه و توصیه های اخلاقی جهت رفع عیوب و نواقص پردازد. یافته ها و نتایج حاصل از این پژوهش در بعد اجتماعی اندیشه های نجم رازی و جلابی هجویری حاکی از آن است که شیخ نجم الدین رازی با جهت گیری های مستقیم سیاسی - اجتماعی و مخاطب قرار دادن طبقات دهقانان، پیشه وران و ... بسیاری از دغدغه ها و مسائل کلی جامعه را نقد و ارزیابی کرده است و هجویری با جهت گیری نسبتاً ملایم تر و ملاحظه گرانه علیه ریا و طغیان در خصوص مظاهر فساد به ویژه در میان عابدان و زاهدان و صوفی نمایان، گفتمان ریاکاری مسلط و غالب در جامعه از جمله ملامتیه را مورد نقد اجتماعی قرار داده است؛ شیخ نجم الدین رازی و جلابی هجویری وظیفه ارشاد مردم را در کنار توجه به انتقادات سازنده اجتماعی، اصلاح امور و نگاه وقادانه از نوع جامعه شناسانه بر عهده داشته اند و در آثار خود به میزان قابل توجهی مشکلات و مسائل عصر و زمان خویش را مطرح نموده اند.

## فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای.
۱. قیصری. داوود (۱۳۸۴). *رسائل قیصری*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه.
  ۲. کلابادی. ابوبکر (۱۳۷۱). *التَّعَرُّفُ لِمَذْهَبِ التَّصَوُّفِ*. به کوشش محمد جواد شریعت. تهران: اساطیر.
  ۳. نجم‌الدین رازی. عبدالله بن محمد (۱۴۰۱). *مرصاد العباد*. به اهتمام محمد امین ریاحی. چاپ شانزدهم. تهران: علمی و فرهنگی.
  ۴. هجویری. ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۹). *کشف‌المحجوب*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمود عابدی. چاپ پنجم. تهران: سروش.